

گذری بر تاریخ تغییر رنگ پرچم حرم مطهر رضوی به مناسبت سالروز شهادت حضرت زهرا^(س)

سیاهی که نشان عرض ارادت شد



کلیددار مشهد در عصر مشروطه

درباره محمدحسن خان مسعودی، فردی که در روزهای تاریک و روشن سال ۱۲۸۸ خورشیدی شهر را با هزینه شخصی خودش اداره کرد

شیماسیدی

در مشهد بلوایی به پا شده که ماندنش را کسی به یاد ندارد؛ هر کس به خودش اجازه می‌دهد موافقان استبداد را هرطور دوست دارد مجازات کند. از آن سو اندک نظامیان باقی مانده‌هم با کمک روس‌ها گاه‌وبیگاه حملاتی را در شهر انجام می‌دهند. مشروطه‌خواهان مقابل «حیطه حاج کر بلائی علی، سنگر گرفته‌اند تا شبانه ارگ را تصرف کنند. سه سر باز برای مقابله به میدان می‌آیند اما دو نفر شان کشته می‌شوند و نفر سوم قرار می‌کند. روس‌ها به کمک نظامی‌های شتابند و مشروطه‌خواهان موقتاً فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند، با این حال به نظر می‌رسد شهر دست مشروطه‌خواهان

● وقتی داروغه مشهد درس عبرت بقیه می‌شود سال ۱۳۲۷ قمری (۱۲۸۸ خورشیدی) است. هنوز تهران از سوی مشروطه‌خواهان فتح نشده، اما بازار مشروطه در مشهد گرم است و گروه‌های مجاهدین به ریاست «کر بلائی سیداقا کوچک‌ناروا» و «میرزا باترک قفقازی» امور شهر را به دست گرفته‌اند. این گروه‌های مجاهد، نجبگان شهر را که در انجمنی به نام «انجمن ایالتی» جمع شده‌اند، وادار می‌کنند «یوسف‌خان بیگلربیگی» را احضار کنند. بی‌شک رئیس شهربانی مشهد در دوره استبداد، ظلم‌های فراوانی به مردم کرده بودو مجاهدین قصد دارند از فرصت به دست آمده برای گرفتن انتقام استفاده کنند. درحالی‌که استاندار خراسان از ترس مشروطه‌خواهان در ارگ حکومتی پنهان شده، یوسف‌خان به دعوت انجمن پاسخ مثبت می‌دهد و برای گفت‌وگو به جلسه انجمن ایالتی می‌آید اما چند دقیقه‌پیشتر از آمدن یوسف‌خان نگذشته،

در حالی که مشغول صحبت با یکی از اعضای انجمن ایالتی است، گروه‌های مجاهدین ناغافل سه تیر گلوله «ماوزر» به سرش شلیک وجنازه‌اش را از پنجره به کوچه‌پرتاب می‌کنند، پایش را به دم قاطر می‌بندند و بعد برای اینکه سایر استبدادگران حساب کار دستشان بیاید، از همانجا تا پایین خیابان جنازه را به دنبال قاطر می‌کشاند. جنازه یوسف‌خان در نهایت در مقابل خانه داروغه می‌ایستد، جایی که امروز یکی از جاذبه‌های گردشگری مشهد است و آن روزها محل سکونت او و خانواده‌اش بود است.

● کلید شهر در دست محمدحسن خان مسعودی رواج چنین اتفاقاتی باعث می‌شود مرحوم «آیت... حاج میرزا حبیب...» مجتهد شهیدی

گروه تاریخ و هویت| دیروز پرچم حرم مطهر رضوی در آستانه سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا^(س) به رنگ سیاه درآمد. همین موضوع هم سبب شد تا در سطرهایی از تاریخ تعویض و تغییر رنگ پرچمی بگوییم که هر صبح از بلندترین نقطه حرم، شاهد سلام و عرض ارادت هزاران هزار دل‌داده به سلطان خراسان است. در ابتدای روایت این تاریخ باید گفت، در هیچ مکتوب تاریخی درباره زمان و نخستین مرتبه‌ای که در حرم مطهر رضوی از نماد پرچم استفاده شده، متنی سیاه نشده است اما حکایت‌های ثبت شده می‌گویند، پس از آنکه مأمون در هنگام معرفی امام رضا^(ع) به ولایتعهدی، رنگ سبز را جایگزین رنگ سیاه کرد. این رنگ به عنوان نماد حکومت‌های شیعی رواج یافت. گویادر اواخر دوره تیموری نیز، علم یا پرچم‌مانندی در آستان قدس وجود داشته است که آن را در هنگام استقبال بیرون می‌آورده‌اند. همه این‌ها در قرن دهم هجری با رونمایی از پرچم رسمی آستان قدس رضوی تغییر می‌کند. برابر اسناد و همچنین طرحی به‌جا مانده بر روی کاغذ از یک پرچم که

است. آن‌ها تلگراف‌خانه را به تصرف درآورده، بمبی در خانه برادرزاده نیرالدوله (حاکم جدید خراسان) انداخته او را وادار کرده‌اند با انجمن ایالتی همکاری کند و جنازه یوسف‌خان بیگلربیگ (داروغه مشهد که به ظالمی شهره بوده) را به دم قاطری بسته. در شهر می‌چرخانند! این اوضاع و احوال مشهد در حوالی سال‌های ۱۳۲۷ قمری (۱۲۸۸ خورشیدی) است. یعنی یک سال بعد از به توپ بستن مجلس از سوی محمدعلی شاه قاجار. انکار که وضعیت شهر به ریسمانی می‌ماند که به پای یوسف‌خان بیگلربیگ بسته‌اند؛ به مویی بند است و هر لحظه هزار بار بالا و پایین می‌رود. در همین روزهاست که «محمدحسن خان مسعودی، یک ماموریت غیرممکن را قبول می‌کند و

عنوان رئیس بلدیه معرفی می‌کند. دلیل کم بودن اطلاعات بلدیه در این دوره نیز آن است که در آن سال‌ها آغاز استبدادصغیر، انجمن بلدی و انجمن‌های ایالتی که از نشانه‌های مشروطیت بودند تعطیل می‌شوند و با یک برگشت به عقب، دوباره عنوان «بیگلربیگ» یا همان داروغه و رئیس شهربانی باب می‌شود که یوسف‌خان هم در تاریخ مد نظر ما رئیس این اداره بوده است.

● اداره شهر با جیب محمدحسن خان مسعودی طبق نوشته رضا مسعودی، پدرش از سال ۱۳۲۷ قمری به مدت سی‌ماه اداره شهر را به عهده می‌گیرد تا اینکه در سال ۱۳۳۰ قمری کلید بلدیه (شهرداری) را به رئیس اعزامی تهران تحویل می‌دهد و خودش از شهر خارج می‌شود. اما با فاصله‌برای تأسیس بلدی قانونی دعوت می‌شود. منظور از بلدی قانونی، بلدیه‌ای است که در آن بتوان بر اساس قانون درآمدزایی کرد. چون بلدیه تشکیل شده در سال ۱۳۲۶ قمری قانون درستی برای درآمدزایی نداشته و به همین خاطر هم بین نهادها دعوا زیاد بوده است. سال ۱۳۲۷ قمری هم که محمدحسن خان ریاست بلدیه را قبول می‌کند، شهر را به‌نوعی با جیب خودش اداره می‌کند.^(۱) برای نمونه نظافت شهر، نصب چراغ و تأمین روشنایی کوچه و معابر و سنگ‌فرش کردن پیاده‌روها تنها بخشی از خدمات نخستین شهردار مشهد است که همه با هزینه شخصی انجام شده است.

شاهد این مثال خبری است که «گلشن آزادی» در پنجمین شماره ۲۸ دی‌پهشت ۱۳۳۴ خورشیدی به‌بهانه دومین ماه درگذشت محمدحسن خان مسعودی چاپ کرده است و به چیزی اشاره

خاطرات مسعودی آمده که او بلدیه مشهد را راه‌اندازی کرده و به مدت سه سال عهده‌دار امور بوده است. اما براساس منابع، او در دوره دوم انتخابات انجمن در محرم ۱۳۳۸ قمری (بهمن ۱۲۸۸) به عنوان رئیس بلدیه انتخاب شده است. البته با توجه به اینکه در سند تعمیر محل اداره بلدیه در ذی‌الحجه ۱۳۲۷ (دی ۱۲۸۸)

تصویر یک تریج با عبارت «مهر مشهد مقدس الرضا علیه افضل التحیه والدعاء» در وسط و اسامی مبارک چهارده معصوم^(ع) در حاشیه آن جلوه می‌کند اما از دوره صفوی، استفاده از پرچم در مراسم دینی اهمیت چشمگیری می‌یابد. به طوری که در اسناد تاریخی آستان قدس، به افرادی با عنوان «علمدار» یا «حمل‌کننده پرچم‌ها» اشاره شده است. سندی مربوط به سال ۱۱۶۳ هجری قمری نیز در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که در آن، به بیرون آوردن علم اشاره شده است. اما در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، صاحب‌منصبان آستان قدس درصدد برآمدند تا نشانی خاص برای آستان قدس تهیه کنند. در پیش‌نویس نامه‌ای که «محمود بدر» نایب‌التولیه وقت، برای وزارت دربار آماده کرده، نوشته شده است: «برای حفظ عظمت دربار ولایت‌مدار علی‌ابن موسی‌الرضا^(ع)، لازم‌است پرچم خاصی تهیه‌شود تا در مواقع ویژه مانند اعیاد ائمه اطهار بر سر در صحن‌ها و بالای در ورودی ادارات آستان قدس و بنگاه‌های تابع، برافراشته شود.» در همین اسناد آمده است که با توجه به

می‌شود کلیددار مشهد. در این گزارش قرار است شما را همراه خود به عصر مشروطه ببریم و داستان مردی را روایت کنیم که خانه‌اش را گرو گذاشت تا بتواند بلدیه نوپای مشهد را اداره کند. مردی که همچون اجدادش حکومت بخشی از ولایات قاجار را به عهده داشت، اما از مشروطه‌خواهی دست نکشید و با انقلاب همراه شد. مردی که از دوره هفتم تا چهاردهم نماینده مجلس شورای ملی بود اما از قدرت سوءاستفاده نکرد و از مدار در ستکاری خارج نشد. محمدحسن خان مسعودی در طول دوران زندگی‌اش حکومت شش‌شاه را تجربه کرد و القاب مختلفی چون «آقا سردار»، «شجاع‌الایاله»، و «سالار موید» را از آن‌ها گرفت، اما مهم‌ترین لقبش نام نیکی است که از خود به جای گذاشت.

محمدحسن خان مسعودی

می‌کند که نشان از فداکاری‌های این مرد برای شهرداری نوپای آن زمان دارد. «گلشن آزادی» این‌طور نوشته است: «پس از آنکه حکومت استبداد منقرض و مشروطیت مستقر گردید، از مرکز به استانداران امر می‌شود که شهردارو انجمن بلدیه و انجمن‌های ولایتی و ایالتی را که از آثار مشروطیت است تأسیس و انتخاب نمایند. استاندار وقت، آقای مسعودی را مأمور این کارها که تا آن زمان سابقه نداشته است می‌نماید... چون تا انجمن بلدیه وضع عوارض نماید و عوارض وصول شده طبق بودجه تنظیمی به مصرف برسد، مدتی طول داشته‌و از طرفی نمی‌شده چراغ‌هایی نفت‌و اعضای منصوبه‌رابی حقوق گذاشت ومخارج جاری را نپرداخت، (وی) یکی از املاک خود را گرو گذاشت و چندین هزار تومان خرج بلدیه نمود ولی بعدا نه سالار توانست قرض خود را بدهد و نه آن ملک که اکنون شاید چندین میلیون ریال قیمت دارد به ایشان برگشت.»

● سنگینی کفه ترازو به نفع سالارمؤید محمدحسن خان مسعودی، شجاع‌الایاله یا سالارمؤید در ۱۱ فروردین ۱۲۹۰ خورشیدی از ریاست بلدیه استعفا می‌دهد و سالارممتاز به جای او اداره امور را به عهده می‌گیرد. از مرور روزنامه‌های آن دوران این‌طور به نظر می‌رسد که روزنامه‌نگارها انتقادهایی به سالارمؤید داشته‌اند اما بعد از جابه‌جایی دائم، سالارمؤید و سالارممتاز را با هم مقایسه می‌کرده‌اند و هر دفعه هم کفه ترازو به نفع سالارمؤید سنگینی می‌کرده است. این شاعرو سیاست‌مدار توانمند در نهایت در تاریخ سوم فروردین ۱۳۳۴ خورشیدی در سن هشتاد و سه سالگی دار فانی را وداع گفت.

محمدحسن خان مسعودی

به عنوان کلانتر اسناد مالی را تأیید کرده است. بعید نیست که با توجه به تعطیلی انجمن و اداره بلدیه در سال ۱۳۲۷ قمری او به عنوان کلانتر و مسئول اداره امور شهر از طرف والی مشغول به کار بوده باشد. چنانکه در روزنامه «حبل‌المتین» نیز آورده شده که مسعودی در تاریخ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ (۱۶ تیر ۱۲۸۸)

محمدحسن خان مسعودی

گرفتن زور بازو می‌خواست و کمی گردن کلفتی. هر کسی که زورش بیشتر بود و بهتر می‌توانست فشار جمعیت را تحمل کند و به دیگران نیز فشار بیاورد خودش را جلو پیشخوان نانویی می‌رساند و نان می‌گرفت. البته در بیشتر موارد پیش می‌آمد که خود آن طرف هم نمی‌توانست نان را به خانه برساند، چون مردم گرسنه یا همان جادم نانوایی یا در طول مسیر نان را از دست یکدیگر می‌قاییدند. مردم چه مرارت‌ها برای نانی که آردش با پهن گاو و سرگین حیوانات آغشته بود، می‌کشیدند. البته نمی‌دانم این غش‌زدن در نانوایی اتفاق می‌افتاد یا آردی که به دستشان می‌رسید کیفیت نداشت. بماند که همین آرد بی‌کیفیت بودار هم بعد از مدتی قطع شد و قحطی یا تبغ آخته‌تری به جان مردم افتاد.

نبود نان که خوراک اولیه مردم را تشکیل می‌داد، احتمال به وجود آمدن شورش و بلوا را زیاد می‌کرد. برای همین بزرگان شهر گرد هم جمع شدند و فکر کردند که چه بکنند تا بتوانند نیاز اولیه مردم را تأمین کنند و دچار مشکل بزرگ‌تری نشوند. از زبان بزرگ‌ترها می‌شنیدم به بلدیه -که تازه دوران فترت خود را گذرانده و داشت کم‌کم شکل می‌گرفت- دستور داده بودند تا برنج و لوبیا تهیه کند و در اختیار تعدادی از صاحبان دکانین عطاری، بقالی و غیره قرار دهد تا آن‌ها

اینکه رنگ سبز شعار بنی‌هاشم و ائمه اطهار^(ع) می‌باشد، رنگ این پرچم سبز باشد پس از انقلاب اسلامی عبارت «لااله الا...» که به شکل گنبد و گلدسته طراحی شده، به عنوان نشان آستان قدس رضوی در مرکز پرچم وجود دارد و در حاشیه آن نام مبارک «رضا^(ع)» به تکرار با رنگ زرد، دوردوزی شده است. این پرچم همیشه به‌جز ایام سوگواری بر بالای گنبد طلا در اهتزاز است و فقط در ایام عزاداری محرم وشهادت ائمه اطهار، با پرچم مخمل سیاه‌رنگ که همان نشان و حاشیه، با ساتن سبز زیتونی روی آن گلدوزی شده، تعویض می‌شود. مدت زمان برافراشته بودن پرچم سیاه به جای پرچم سبز براساس تقویم شیعه است. مثلاً در ایام محرم و صفر از شب اول محرم پرچم سیاه افراشته می‌شود و تا پایان روز سوم ربیع‌الاول سومین روز شهادت امام رضا^(ع) در اهتزار است. دهه فاطمیه و باقی روزهای تقویمی شهادت یا وفات ائمه اطهار^(ع) نیز این تغییر رنگ پرچم که حالا حکم یک سنت و آیین را پیدا کرده است، انجام می‌شود.

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی

پرچم سبز زیتونی آستان قدس رضوی